متن کامل گفتگوی یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی

متن کامل گفتگوی استاد یوسف قرضاوی و آقای هاشمی رفسنجانی

مجری احمد شیخ،(دبیر بخش خبر تلویزیون الجزیره):

مترجم: عبدالعزیز سلیمی

_____

بینندگان گرامی! سلام و درود خداوند بر شما؛ در برنامه«دیداری ویژه» که شبکه تلویزیونی الجزیره با هماهنگی و همفکری«اتحاد جهانی علمای مسلمین» آن را تجربه می کند به شما درود می فرستیم، برنامه ای که در آن دو شخصیت اسلامی هر یك از نگاه خویش، در رابطه با مشکلاتی که جهان اسلام با آن روبه روست و چالش هایی که فرا روی آن قرار گرفته، و راه حل های رهایی از آنها و چگونگی تعامل با جهانی که گرداگرد ما قرار دارد، -بر اساس رسالت امّت اسلامی و وفاداری نسبت به بنیان های آن – و در راستای وحدّت در رویکرد امّت اسلامی در شرایط سختی که در آن قرار دارد، سخن خواهند گفت.

این دیدار ویژه که به طور مستقیم پخش می شود؛ با مشارکت استاد دکتر یوسف قرضاوی «رییس اتحاد جهانی علمای مسلمین» و جناب شیخ هاشمی رفسنجانی «رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو مجلس خبرگان ایران» و بنا بر فراخوانی اتحاد جهانی علمای مسلمین و بدنبال دیدار هیئتی از اتحاد از تهران که در آن توافق شد که این دو شخصیت در یك دیدار مشترك مردم مسلمان را مورد خطاب قرار بدهند؛ از

خداوند بزرگ و با عظمت می خواهیم که این دیدار را گامی به سوی وحدت صف مسلمانان، پالایش دلها و وحدت کلمه بگرداند.

امیدوارم که این دو بزرگوار در برابر پرسش های مستقیم و صریح در ارتباط با مسائل مختلفی که مسلمانان اعم از شیعه و سنّی از آن گله مندند و گاهی آنها را عامل تحریك کننده و اختلاف برانگیز به شمار می آورند، پاسخ صریح بدهند.

همچنین می خواهم توضیح بدهم که این دیدار در واقع مناظره میان این دو شخصیت نیست، بلکه دیداری است ویژه که هریك از ایشان به بیان دیدگاه خود در ارتباط با مسایلی حسّاس خواهند پرداخت.

انتظار دارم که این بزرگواران، بزرگواری فرموده و پرسش ها را در مدّت 2 تا 5/2 دقیقه به صورت فشرده پاسخ بفرمایند تا بتوانیم هرچه بیشتر از زمان باقیمانده استفاده کنیم، زیرا اززمان مقرر برای شروع برنامه اندکی تأخیرداشته ایم.

اینك با سخنان آقای هاشمی رفسنجانی به مدّت حدود 12 دقیقه- و مشابه آن نیز برای اظهارات دکتر قرضاوی – برنامه را آغاز می کنیم، بعد از آن همراه با ایشان چهار موضوع محوری را مورد برّرسی قرار می دهیم.

جناب آقای هاشمی حضور شما را در این گفتگوی ویژه خوش آمد می گوییم، و منتظر شنیدن سخنانتان هستیم، بفرمایید!.

• هاشمی: بسم ا الرحمن الرحیم، الحمد و الصلاة و السلام علی آله و صحبه، اعوذ با من الشیطان الرجیم، و اعتصموا بحبل ا جمیعاً و لا تفرقوا.

من باید از شبکه تلویزیونی الجزیره و همچنین از شخص جناب آقای قرضاوی که این برنامه را در راستای پاسداری از وحدت اسلامی ترتیب داده اند، صمیمانه تشکر کنم، می دانم که اتحاد جهانی علمای مسلمین برای وحدت مسلمین اهتمام شایانی دارد، و تلاش بسیاری را برای بستر سازی و فراهم کردن امکانات برای اجرای این گفتگو به عمل آورده است، از خداوند مسئلت دارم که خیر و برکت این دیدار را شامل حال امّت اسلامی بگرداند.

همه ما می دانیم که یکی از بنیان ها و مبانی عمومی جهت گسترش اسلام، پاسداری از وحدت است، و چنانچه این وحدت تحقق پیدا کند، خیر و برکت فراگیر شامل حال تمامی مسلمانان خواهد گردید و همه در آن سهیم خواهند بود. پس از پیروزی انقلاب ما تمامی تلاش های خویش را در جهت توانمندی صفوف و نزدیکتر شدن مذاهب بکار گرفتیم. البته این راهی بود که مرحوم آیه ا بروجردی و علّامه شیخ محمد عبده و همچنین مؤسسه دار التقریب پایه های آن را بنیان نهادند. ما نیز بعد از پیروزی انقلاب موضوع هفته وحدت اسلامی را مطرح کردیم، و این راه را ادامه دادیم. بنیانگذار جمهوری اسلامی و همچنین آیه ا خامنه ای مقام رهبری جمهوری اسلامی همان راه را به صورت جدّی و با پشتکار در پیش گرفتند، و در این ارتباط پیشرفت ها و دگرگونی های بسیاری را بدست آوردیم. و تعداد زیادی از علما در کنفرانس ها حضور پیدا کردند، که می توان از جناب آقای شیخ قرضاوی نام برد. همچنین تعداد زیادی از علمای مصر، تونس، مراکش، عراق، سوریه، عربستان سعودی و تمامی کشور های اسلامی حضور داشته اند.

ما میوه آن تلاش ها را چیدیم و به یکدیگر نزدیك شدیم و از خداوند می خواهم که ما را در تقویت و پاسداری از این دست آوردها یاری دهد. طبعاً در روزهای اخیر با امواجی از فتنه گری رو به رو بودیم، که شاید از پاره ای از رویداد های عراق ناشی شده باشند، و شاید با رویدادهای دیگری مانند آنچه در افغانستان و لبنان پیش آمده بی ارتباط نباشند.

تمامی آن فتنه ها ناشی از تلاش های دشمن که امواجی تازه از فتنه برانگیزی را به راه انداخته و پاره ای از نگرانی ها را سبب شده است، که چیزی نمانده تمامی تلاش هایی را که علما در گذشته در جهت وحدت به عمل آورده اند، ناکام و بی حاصل کند، به امید خداوند ما می خواهیم در این برنامه در برابر آن امواج فتنه برانگیز ایجاد مانع کنیم.

من بر این باورم که شکست آمریکا در جهت تحقق و ایجاد خاورمیانۀ بزرگ که در واقع تلاش برای گسترش سلطه گری خود بر سرزمین های ماست، با شکست رو به رو خواهد گردید، وجودشان در منطقه و عراق تا کنون نتوانسته آنان را به اهدافی که دنبال می کردند نزدیك نماید، و حجم مشکلات ایشان بیشتر شده، آنان گمان می کنند از طریق گسترش تفرقه در میان صفوف مسلمانان می توانند به آن اهداف واقعیت ببخشند، شکست اسرائیل در جنگی که علیه لبنان به راه انداخت، همچنین پیروزی که مردم فلسطین در انتخابات اخیر و تقویت پایه های مقاومت در تمامی ممالك اسلامی به آن دست یافتند، همۀ اینها جزو عوامل و اموری بودند که دشمن را به ایجاد تفرقه در بین مسلمانان وادار کردند، و تصمیم گرفته اند که به طور جدّی به چنین توطئه ای دست بزنند، امّا ما فرزندان اسلام و قرآن نباید فریب بخوریم و همانگونه که در آغاز سخن گفتم، حکم قرآنی صریحی وجود دارد که ما را از درگیری و تفرقه بر حذر می دارد: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» این حکم روشن و صریح قرآنی است، از طرف خداوند به ما امر شده است که از وحدت پاسداری کنیم، همانگونه که می فرماید: «انما المؤمنون اخوهٌ» علمای اسلام در برابر مسئولیت های بزرگ و به راستی مهمی قرار دارند به ویژه در شرایطی که با مشکلات سختی رو به رو هستیم و دشمن به دنبال ایجاد تفرقه در لبنان، عراق، افغانستان و دیگر کشورهاست، مشکلاتی که ما در سودان، سومالی و دیگر ممالك با آنها روبه رو هستیم، حل و فصل آنها تنها از طریق حفظ وحدت اسلامی ممکن است.

فتنه انگیزی ها و تفرقه افکنی ها و تحریك احساسات میان شیعیان و سنّی ها در واقع جزو نغمه های شیطانی هستند و برماست که در برابر وسوسه های شیطان فریب نخوریم، علما و همچنین مردم ایران از اعماق درون به وحدت اسلامی دل بسته اند، و صمیمانه چشم به راه تحقق آن هستند. من می دانم که علمای

اهل سنّت نیز با علمای ما هم دل اند، آنان به دنبال ایجاد تفرّق در میان مسلمانان نیستند، امّا پاره ای از آدم های نادان وجود دارند، که اینجا و آنجا اقداماتی را صورت می دهند، و سخنانی را مطرح می کنند، امّا وظیفۀ خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر از عملکرد ها و سخنان افراطی ها و تند روها عمل کنند، آنانی که به مصالح کلّی اسلام توجه نمی کنند، نباید مورد اهتمام قرار بگیرند، به همین خاطر امیدوارم در این گفتگو که با جناب آقای قرضاوی خواهیم داشت به اسلام و امّت اسلامی خدمتی بکنیم.

• مجری: با تشکر از شما، هم اکنون به دوحه می رویم تا سخنان دکتر قرضاوی را بشنویم، جناب شیخ بفرمایید.

• دکتر قرضاوی: بسم اﷲ الرحمن الرحیم ، الحمد ﷲ رب العالمین و الصلاه و السلام علی سیدنا و امامنا و اسوتنا و حبیبنا و معلمنا رسول اﷲ و علی آله و صحبه و من اتبع هداه.

امّا بعد: سخنانم را با تشکر از شبکۀ تلویزیونی الجزیره به خاطر اجابت درخواست اتحاد جهانی علمای مسلمین مبنی بر اجرای این دیدار آغاز می کنم، دیداری که از خداوند می خواهم از راه آن خیر و منافعی را ارزانی بدارد، همچنین به آقای هاشمی رفسنجانی درود و سلام دارم، هشت سال پیش دردیداری که از تهران داشتم با او ملاقاتی داشتم و ضمن استقبال گرم از اینجانب يك دوره کتاب تفسیرش رااز قرآن به من هدیه دادند.

بر این باورم که اگر از این دیدار به صورت مطلوب استفاده بشود، پیامد های مطلوبی را برای امّت اسلامی به دنبال خواهد داشت، از جناب شیخ رفسنجانی که علاوه بر اینکه روحانی برجسته ای است از رهبران سیاسی طراز اوّل ایران به شمار می آید، انتظار دارم که در ارتباط با چهار موضوع محوری که

هیئت ارسالی به تهران با مسئولین ایران در موردشان به توافق رسیده اند سخن بگوید، چهار موضوع اساسی وجود دارند که لازم است در موردشان صحبت کنیم و به صراحت آنها را مورد بررسی قرار بدهیم.

من ضمن سخنرانی در کنفرانس گفتگوی مذاهب که چند هفته پیش در قطر برگزار شد؛ گفتم که: ازدست اندرکاران تقریب بین مذاهب که نشست هایی را ترتیب می دهند و سپس پراکنده می شوند و اقدامی عملی را صورت نمی دهند، جدٌا انتقاد دارم، زیرا از دست نهادن بر روی نقاط و موارد حسّاس و آسیب دیده و رویارویی با مشکلات حقیقی دوری می نمایند، بسیاری از آنها گردهم می آیند و به تعریف و تمجید و مجامله گویی می پردازند و امور مهم را به حال خود رها می کنند.

به همین سبب قصد دارم که در این دیدار از اموری سخن بگویم که همگان اعم از شیعه و سنّی و عموم مسلمانان از آن شکوه دارند و رنج می برند، یکی از آن مسایل مسألۀ تکفیر است، کسانی هستند که حکم کفر شیعیان را صادر می کنند و کسان دیگری هستندکه اهل سنّت را تکفیر می کنند، امّا ما می خواهیم که اسلام محور جمع کننده میان همگان و محور وحدّت باشد، وقتی در میان اهل سنّت کسانی هستند که شیعیان را تکفیر می کنند، در میان شیعیان نیز کسانی هستند که اهل سنّت را کافر می دانند و شاید ایشان تندتر و بدتر از آن دسته از اهل سنّت تکفیری هستند، در میان شیعیان اشخاصی وجود دارند که می گویند: خدا و پیامبر و پیشوایان ما جدای از خدا و پیامبر و پیشوایان اهل سنّت است، نمی خواهم از اشخاص نام ببرم و تنها به شیخ نعمت اۀ جزایری و شیخ مجلسی صاحب کتاب بحار الأنوار اکتفا می کنم، نمی خواهیم برای تند روها و غلاّت حساب خاصّی را باز کنیم، زیرا اگر پای خود را جای پای ایشان قرار بدهیم هیچگاه با یکدیگر کنار نخواهیم آمد، بلکه بر روی اهل اعتدال و میانه روها باید تکیه کرد و امید بست، ما مسألۀ تکفیر را مردود می شماریم، همین که همۀ ما به(لا اله إلا اۀ و محمّد رسول اۀ) شهادت می دهیم، شهادتی که تضمین کنندۀ احترام و پاسداری از جان و مال انسان مسلمان است و به سوی یك قبله نماز می خوانیم و به وحدت اهل قبله باور داریم، کافی است.

این یك مسأله، مسألۀ دیگر این است که اختلافات موجود میان شیعه و اهل سنّت را نباید در بین عامۀ

مردم و بر روی منابر مساجد و اجتماعات عمومی مطرح نمود، بلکه اهل علم و تخصص باید به بررّسی مسائل اختلافی بپردازند آن هم با تکیه بر اصول علمی و کارشناسی و بدور از تحریك احساسات و تشنج آفرینی و کینه توزی سیاه و کورکورانه، بلکه با بهره گیری از روح محبّت و اخوّت.

موضوع سوّم در رابطه با اصحاب رسول خدا(ص) و آل بیت است، هرچند من و تمامی مردم اهل سنّت ایمان و یقین داریم در تمام جهان اهل سنّت حتی یك نفر هم پیدا نمی شود که اهل بیت را دوست نداشته و جایگاهشان را بر روی سر خویش قرار ندهند، کدام اهل سنّت است که علی بن ابی طالب همسر بطول و عموزاد رسول و شمشیر آخته اسلام را دوست نداشته باشد، کیست که حسن و حسین قافله سالار جوانان بهشتی، زین العابدین سجّاد، ابو جعفر باقر و جعفر صادق و دیگران را دوست نداشته باشد، چنین کسی در میان اهل سنّت وجود ندارد.

امّا مشکل مواضع دوستان شیعی نسبت به اصحاب رسول خدا(ص) است، موضوعی که در نهایت اهمیت قرار دارد، من هشت سال پیش هنگام دیدار از تهران، این را به دوستان ایرانی یاد آور شدم و به خاطر دارم در تمامی گردهمایی های که در آنها حضور یافته ام ـ از جمله گردهمایی تقریب در رباط(پایتخت مراکش) و بحرین و دمشق ـ این موضوع را یادآور شده ام.

این مسأل مهّم و حسّاس را یاد آور می شوم که امکان ندارد دستانم را در دستان شما قرار دهم و احساس کنم که با هم برادریم، زمانی که من می گویم: أبوبکر، عمر، عثمان و عایشه رضی ا عنهم ، امّا شما ایشان را مورد لعن و نفرین قرار بدهید، این غیر ممکن است، به همین خاطر لازم است در این رابطه به توافق برسیم.

بهتر است برادران اهل تشیع توجه کنندکه: اصحاب پیامبر شاگردان و فارغ التحصیلان دانشگاه رسالت و

نتیجه و نهال بر زمین نهاده شد مدرسه تربیتی او بوده اند، اگر ایشان را آماج تیر اتهامات قرار بدهیم، در واقع استاد و معلّم ایشان را مورد اتهام قرار داده ایم و این بدین معنی است که او به درستی ایشان را تربیت ننموده است، اما سوگند به خداوند که رسول امین در تربیتشان بسیار خوب عمل کرده و بسیار موفق بوده است، و ایشان برترین و بهترین نسلی اند که تاریخ بشری شاهد آن بوده است. این را خداوند در هشت سوره از سوره های قرآن یعنی: أعراف، أنفال، توبه، نحل، حج، فتح، حشر و حدید گواهی می دهد. خداوند به تمام اصحاب سابقین و نسل بعد از ایشان به ویژه سابقین نخستین و حتی کسانی که به خوبی از آنها پیروی کنند، وعد خیر و رحمت داده، از آنان خشنود گردیده و ایشان نیز از وعده های خداوند خشنودند و ایشان را به بهشتی که از زیر درختانش جویبارها جاری است وعده داده است. قرآن و احادیث، ایشان را مورد تعریف و تمجید قرار می دهند. از جهت تاریخی نیز آنان بوده اند که قرآن را حفظ و جمع آوری نموده و سنّت را برایمان روایت کرده و پیروزی های بزرگ را نصیبمان نمودند و اسلام را در جهان گسترش دادند، چه کسانی که اسلام را به مصر و ایران وارد کردند؟ چه کسانی بودند ایشان را از آتش پرستی رهایی بخشیدند و به یکتا پرستی هدایت کردند؟ این ها را همه اصحاب رسول خدا انجام دادند.

نمی خواهم در این ارتباط بیشتر سخن بگویم زیرا سخن به درازا می کشد و وقت مجال نمی دهد، این موضوعی است که لازم است دربار آن به توافق برسیم، به هرگونه توهین و کسر شأن و ملامت نسبت به اصحاب رسول خدا باید پایان داده شود. اگر در میان اهل سنت هم کسی وجود داشته باشد که نسبت به اهل بیت بی احترامی کند، باید متوقف شود.

از طرف دیگر معاهده مکّه پیش روی ماست، میثاقی که انتظار داشتیم مراجع درجه اوّل اهل تشیع و علمای اهل سنّت حضور می یافتند و آن را امضاء می کردند، معاهده ای که در بر گیرند هشت اصل و قاعده است، وضرورت دارد همه ما تمامی آنها را بپذیریم و هیچکس را حق مخالفت با آن نباشد و مبنا و راهکاری برای ساماندهی به روابط میان شیعیان و اهل سنّت باشد. لازم است که آن اصول را فعّال و عملیاتی کنیم، تا نتیج مطلوب را بدهد و در واقعیت حاصلی را در پی داشته باشد، موضوع دیگر رویدادهایی است که...

• مجری: جناب شیخ اگر اجازه بدهید در لابه لای پرسش ها، به موارد هشت گانۀ مذکور خواهیم پرداخت.

• دکتر قرضاوی: یکی دو دقیقه به من اجازه بدهید تا موضوع دیگری را مطرح کنم، زیرا آنچه در عراق روی می دهد، یکی از مهمترین مواردی است که به خاطر آن در این گفتگو شرکت کرده ایم، مساله خون هایی که روزانه بر زمین ریخته می شود، و پدیدۀ قتل عام ها توسط جوخه های مرگ و ملیشاها و چیز هایی از این قبیل که پشت سر آنها تعصبات مذهبی شناخته شده ای قرار دارد، این مسأله ای محوری است عده ای مردم را از خانه ها و اماکن سکونتشان از سرزمینی که در آن به دنیا آمده و خود و اجدادشان در آن زندگی کرده اند بیرون می کنند، مساجد بسیاری با زور از صاحبانشان غصب شده اند، هر چند حسینیه هایی نیز اینچنین شده اند، امّا در مقایسه با مساجد غصب شده اندکند؛ اگر می خواهیم صریح و بی پرده سخن بگوییم باید آن موارد را مورد توجه قرار بدهیم.

موضوع دیگر این است که ما با تجزیۀ ممالك اسلامی به شدّت مخالفیم، زیرا قدرت هایی که با اسلام دشمنی می ورزند، برای تقسیم و تجزیۀ سرزمین های ما طرح و برنامه دارند، پاره پاره کردن آنها را در دستور کار خود قرار داده اند، منظورم تجزیۀ کلّی نیست، بلکه تجزیۀ محلی و منطقه ای است، برای مثال می خواهند عراق، سوریه و مصر را به چندین کشور کوچک تقسیم نمایند؛ این موضوع به هیچوجه پذیرفتنی نیست، عراق همچنان به صورت کشور و مردمی یکپارچه باید باقی بماند، لازم است از یکپارچگی این ملّت پاسداری شود، و تمامی طرح ها و برنامه های تقسیم کنندۀ عراق و دیگر کشورها ی اسلامی را مردود و محکوم می شماریم.

به همین مقدار بسنده می کنم و فرصت را برای طرح پرسش ها از طرف برادر محترم استاد احمد در اختیار ایشان قرار می دهم.

• مجری: با تشکر از استاد یوسف قرضاوی، اکنون به طرح پرسش های بسیاری که از قبل آماده کرده ام می پردازم، امّا به خاطر سپری شدن بخشی از وقت ناچارم از تعدادی از پرسش ها صرف نظر کنم. قبل از طرح اوّلین سؤال از شیخ رفسنجانی این پرسش را دارم که آیا جواب هایتان به پرسش ها ی ما بیان دیدگاه شخصی شماست یا اینکه دیگر مراجع و مسئولین نیز با شما هم عقیده هستند؟ این را به خاطر آنکه بینندگان متوجه موضوع باشند می پرسم، لطفاً خیلی کوتاه پاسخ بدهید، تا به موارد دیگر بپردازیم.

• هاشمی: طبعاً من از نگاه و دیدگاه خودم صحبت می کنم، امّا می دانم در بسیاری از مسایلی که در این برنامه مطرح می کنم؛ بسیاری از علما در ایران با من هم عقیده هستند.

• مجری: با تشکر از شما، بگذارید از اینجا آغاز کنیم؛ سخنان شیخ قرضاوی را در ارتباط باگردهمایی مکّه، و عدم حضور مراجع بزرگ شیعه در آن اجتماع و خود داری ایشان از امضای معاهده، شنیدید، برخی بر این باورند که عدم حضور ایشان مانع پیشگیری از فتنۀ موجود میان مسلمانان شد؛ موضوع دیگر، مسألۀ ناسزاگویی به اصحاب رسول خداست، سخنان جناب دکتر قرضاوی را شنیدید، شما چه می فرمایید؟.

• هاشمی: نظر من اینست که کارهایی که مردم عوام و افراطی های دو طرف انجام می دهند، نباید باعث ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بشود؛ همۀ ما بر اساس دستور قرآن باید به حبل اۀ متوسل شویم و در برابر خطراتی که امّت اسلامی را تهدید می نماید، بر روی وحدت اسلامیمان اصرار بورزیم. و مهمترین آن خطرات اسرائیل و صهیونیزم و استکبار جهانی است، آنان بذر فتنه می پاشند و برخی از کشورهای ما مسلمانان را اشغال کرده اند و این را مدتهاست که آغاز کرده اند و به دنبال تسلّط بر منابع ما هستند، به همین سبب وظیفۀ امّت اسلامی است که جمعیتی حدود يك ونيم ميليارد را تشکیل می دهند و حدود 60 کشور اسلامی داریم و در سازمان ملل از وزن قابل توجهی برخوردارند، و نقاط استراتژيك و حسّاسی را در دنیا در اختیار دارند در واقع نقاط بسیار مهّمی هستند. همچنین بهترین منابع را

مانند انرژی که خداوند به آنان ارزانی داشته صاحب هستندو قرآنی را در اختیار داریم که ما را در زندگیمان راهنمایی می کند. و همچنین از سنّت پیامبر و سیر ائمه برخورداریم و علما و دانشمندان و دانشگاه ها و شخصیات فراوانی وجود دارند. به همین سبب امّت اسلامی حق دارند قدرت بزرگی را تشکیل بدهند و از امّت مسلمان دفاع نمایند. ما به دنبال تعرض به دیگران نیستیم، بلکه هدفمان پاسداری از اسلام است؛ این هدف به وحدت نیازمند است. ما نمی خواهیم وارد پاره ای از مسایل فرعی بشویم که این چنین گفت و آن چنان گفت. ما در ایران خطبه ها و سخنرانی هایمان را با جملاتی همچون: « الحمد و الصلاه و السلام علی رسول ا و آله و اصحابه» آغاز می کنیم. تقریباً تمامی خطبا و سخنران ها اینگونه سخن خود را شروع می کنند، ما شیعه ها در ایران به توحید و نبوّت و معاد ایمان داریم و هر انسانی این باورها را داشته باشد او را مسلمان می دانیم و در نتیجه جان و مال و حیثیت او مصون و محترم است؛ و به هیچ وجه نباید به حقوق و شخصیت چنین انسانی تعرض بشود، و چنین کاری حرام است. هرچند گله مندی ها و ملامت هایی از دو طرف وجود دارد؛ امّا این شرایط، شرایط ملامت و بازخواست نیست، ما باید دست به دست یکدیگر بدهیم و از هویت اسلامی خود دفاع کنیم.

• مجری: بسیار کوتاه می گویم که: برخی از اهل سنّت می گویند: «تا زمانی که برای دوری از سب صحابه فتوایی(از طرف مراجع) صادر نشود، نباید چنین موضعگیری وسخنانی را جدّی گرفت».

• هاشمی: کدام موضعگیری؟

• مجری: موضعگیری در برابر توهین به اصحاب رسول خدا(ص) احیاناً از طرف عوام شیعه، نمی گویم از طرف علما؟.

• هاشمی: بارها از طرف علمای اسلام و علمای شیعه این موضوع مطرح شده است، به ویژه از طرف مرحوم

امام و اخیراً هم مقام رهبری در این ارتباط سخن گفتند، من بر این باورم که لازم است هر دو طرف به این ابتکار دست بزنند و علمای طرفین چنان فتوایی را صادر نمایند و بر روی مسایل اختلاف برانگیز دست نگذارند، مسایلی که اگر مورد توجه قرار گیرند، عامل وحدت نخواهند بود؛ هیچگاه تفرقه سودی را عاید نخواهد کرد. و همانگونه که قرآن می فرماید: نزاع ما را دچار شکست خواهد کرد.(و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم) ما نمی خواهیم که امّت اسلامی دچار ضعف شود، ما پیش از هر سخنرانی از آل و اصحاب پیامبر اسم می بریم، پس این مناقشات به خاطر چیست؟.

• مجری: به دوحه می رویم و با جناب دکتر قرضاوی همراه می شویم، جناب شیخ برای آنکه اهل انصاف باشیم بایدیادآوری کنیم که: بعضی از شیعیان میگویند: عدّه ای از مسلمانان اهل سنّت عملکردها و موضعگیری هایی دارند که نمی تواند برای در نطفه خفه کردن فتنه ها سازنده باشد. برای مثال آنان از مسألۀ: هلال شیعی و فتواهای تکفیری از طرف برخی علما و پاره ای از مسئولین کشورهای اسلامی که حکم کفر اهل تشیع را صادر می کنند گله مندند، اگر شیعیان بر روی رویدادهای تاریخی اسلام انگشت می گذارند، اهل سنّت نیز بر روی حوادثی تاریخی مانند اشغال بغداد(توسط هلاکو خان مغول) و ابن علقمی و نصیرالدین طوسی و... اشاره می کنند، این امور نیز در حد خود وارد کردن اتهام است. نظر شما چیست؟ زیرا اتهام های متقابلی وجود دارند، و شیعیان نیز گله مندی هایی دارند.

• دکتر قرضاوی: می توانم به نمایندگی از طرف تمامی اهل سنّت بگویم که: ما رویدادهای تاریخی را پایه باورهای خویش قرار نمی دهیم، ما از تاریخ بهره می گیریم، امّا آن را باری بر دوش خویش قرار نمی دهیم، و خود را اسیر آن نمی گردانیم، ما بر این باوریم که اگر شیعیانی بوده اند که به خطا رفته یا منحرف گردیده اند و حتّی خیانت کرده اند، بار گناه آنان را بر دوش شیعیان معاصر قرار نمی دهیم، زیرا قرآن به صراحت می فرماید: «تلك امهٌ قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم.» ما در مورد اصحاب نیز همین باور را داریم، فرض کنیم که در میان اصحاب کسانی دچار اشتباه شده باشند، آنان اشخاصی بوده اند که اکنون نیستند، ما فرزند زمان خویش هستیم.

در ارتباط با مسألۀ تکفیر باید گفت که: تکفیر موضوعی دو جانبه شده است، امّا مهم این است که بدانیم چه تعداد از اهل سنّت شیعه را تکفیر می کنند، بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق اهل سنّت

به تکفیر متوسل نمی شوند، نباید فتوای تکفیر شیعه از طرف یکی دو نفر را بهانه قرار بدهیم.

آنچه در لبنان روی داد شاهد است که، اکثریت قاطع جهان اسلام از حزب ا حمایت کردند، زیرا امکان ندارد که در برابر حزب ا از اسرائیل جانبداری نمایند. اگر اینجا و آنجا فتاوایی صادر می شود، به هیچ وجه نمایند رویکرد عمومی اهل سنّت نیست، زیرا اگر بخواهیم مردمی را بازخواست کنیم لازم است بر روی رویکرد عمومی آن تأکید کنیم، رویکردی که بدور از چنین تکفیری است.

همچنان که گفتم: ما در عرص تقریب دیدگاه و دور نمودن فتنه هایی که عامل بدترین پراکندگی هستند، باید به دیدگاه اهل اعتدال و میانه روها ی دو مذهب تکیه نماییم.

• مجری: بر این باورم که آقای هاشمی از اهل اعتدال و میانه روها هستند. اینك اجازه بدهید به موضوع دیگری بپردازیم، و آن این است که وقتی یك شیعی سخن می گوید، بسیاری از اهل سنّت می گویند که اهل تشیع به مسأل تقیه اعتقاد دارند، چگونه می توانیم از صداقت آنچه که بر زبان می آورید مطمئن شویم؟ اجازه بدهید این سؤال را هم بپرسم و آن این است که آیا مراجع شیعه از روش تقیه بهره می گیرند و آن را تأیید می کنند؟ به خاطر آنکه دقیق تر سؤال را مطرح نمایم اجازه بدهید متن سؤال را بخوانم، آیا در ارتباط باروابط میان مسلمانان تقیه مطرح است، یا در موار د خاصی کاربرد دارد و در غیر آن جایز نیست؟.

• هاشمی: فکر می کنم این موضوع جزو همان چیزهایی است که دشمنان به آن دامن می زنند. اگر زندگی خردمندان و اشخاص و حکومت ها و کشورها را ملاحظه کنید، می بینید که اموری وجود دارند که انسان نمی خواهد آنها را برملا کند، ازجنب قانونی هم می دانیم پاره ای از اسناد وجود دارندکه تنها بعد از سپری شدن مدّت زمانی کشف آنها جایز است، این معنای خردمندان تقیه است.

طوری نیست که بشود برای هر انسانی همۀ آن چیزی را که می خواهد و یا در آن مصلحت نمی داند، مطرح کند، امّا تقیه ای که شیعه به آن باور دارد، بر گرفته از خود قرآن و اسلام است، یعنی ما نباید اسرار مسلمانان را برای غیر مسلمانان افشاء کنیم، حتی در بین خود شیعه نیز برخی ازمسایل مطرح نمی شوند، زیرا در هر حکومت و هر کشوری مسایلی سرّی وجود دارند، و هیچکس اقدام به افشای آنها نمی کند. سادگی است اگر مفهوم تقیه را به تحرکات سرّی نادرست تفسیر کنیم. تقیه ای که ما باور داریم موضوعی عاقلانه است و در میان شیعه و سنّی و تمامی حکومت ها وجود دارد.

• مجری: در این صورت تقیه دارای حکم مخصوص به خود است، پیش از انتقال به دوحه به طرح پرسش متقابل می پردازم.گفته می شود که برای شیعه نمودن اهل سنّت یا سنّی کردن شیعه فعالیتهایی صورت می گیرد. نظر شما در این رابطه چیست؟ زیرا اعتراضاتی در مورد تلاش های ایران برای شیعه نمودن تعدادی از مردم در کشورهایی که صرفاً اهل سنّت هستند انجام می گیرد. تا این موضوع را برای بینندگان روشن کنیم و نگرانی های درونی را بزداییم.

• هاشمی: پرسش متوجه من است؟.

• مجری: بله.

• هاشمی: ببینید بهترین راه برای شناساندن کار خوب و یا یك اندیشۀ خوب یا گرایشی صحیح، عملکرد درست است، و چنین چیزی است که امکان بدست آوردن دل دیگران را فراهم می نماید، ما باید درست عمل کردن را به دیگران نیز بیاموزیم، اگر منظور این باشد که ما از کار نیك و عمل صالح دست برداریم،

این درست نیست، ما باید از حق دفاع کنیم و اعمال نیك انجام بدهیم و از مظلومین دفاع نماییم، اگر ما چنین عمل کردیم، درست است که دیگران مارا به فراخوانی و تشویق دیگران متهم کنند؟، نه این درست نیست، من فکر می کنم که همه از این حق برخوردارند، امّا اگر بخواهیم از دیگران عیبجویی نماییم و آنان را متهم کنیم این درست نیست و ما چنین نمی کنیم و آن را کار درستی نمی دانیم. البته ما انتظار داریم که همگان اینگونه باشند، و از طریق عملکرد خود مبلغ باورهای خود باشند و هر یك بکوشد درست عمل کند و همانگونه که گفتم با عملکرد درست خود دیگران را دعوت کند تا راه خویش را در پیش بگیرد.

• مجری: شیخ یوسف در دوحه، حقیقت این است وقتی این پرسش ها را با آقای هاشمی رفسنجانی مطرح می کنیم، این سؤال را هم از شما می پرسم، بسیاری از شیعیان می گویند که: اهل سنّت دارای مراجع نیستند، چگونه مطمئن باشیم هنگامی که دربار امووری به توافق رسیدیم، مواد آن راه خود را میان اهل سنّت باز می کند، و به صورت عملی و واقعی در می آید.؟ به ویژه گاهی اختلافاتی در بین علمای اهل سنّت روی می دهد و گاهی میان علما و حکام به وجود می آید.

همچنین می گویند: اگر ما برای شیعی کردن تلاش می کنیم، اهل سنّت در پاره ای از کشورها تلاش های مشابهی را برای سنّی نمودن اهل تشیع دارند. ما باید منصف باشیم، آنان همچنین می گویند: در پاره ای از کشورها با اکثریت اهل سنّت شیعیان از حقوق کامل برخوردار نیستند، نظر شما در این ارتباط چیست؟.

• دکتر قرضاوی: پیش از هر چیز می خواهم در مورد مسأل تقیه توضیح بدهم، درست است که در قرآن به تقیه اشاره شده، امّا در ارتباط با غیر مسلمانان است، زیرا خداوند می فرماید: «لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلك فلیس من ا فی شئ الاّ ان تتقوا منهم تقاة.» یعنی تقیه در ارتباط با غیر مسلمانان بکار گرفته شده است. آن هم به صورت استثناء بکار رفته و در عرص عمل و تعامل قاعده ای همیشگی به شمار نمی آید.

این موضوع که اهل سنّت نیز به تبلیغ مذهب خود می پردازند و همچون اهل تشیع عمل می کنند، درست نیست، اینکه جناب شیخ رفسنجانی می گوید: اگر کسی عملکرد خوبی داشته باشد لازم است برای گسترش خیر آن را تبلیغ کند، این موضوع مورد نظر من نیست، منظور تلاش برای شیعی کردن سنّی و تشویق آنها به تغییر مذهب خویش است؛ یعنی از مذهبی به مذهب دیگری منتقل شوند، این کار زمینه ساز فتنه و آشوب است. من مرتبه قبل که دیداری از ایران داشتم به دوستان گفتم که: در نهایت چه سودی به دست می آورید؟؛ مثلاً شما به کشوری مانند سودان، مصر، مراکش، الجزایر، تونس و... رفته اید و برای گسترش تشیع در میان آنان تلاش کرده اید؛ چند نفر را می توانید شیعه کنید؟ 10 - 20 - 100 -1000 یا 2000 نفر، امّا بدنبال آن تمامی مردم آن کشور را علیه خود خواهید شورانید آنها در برابرتان خواهند ایستاد و از شما بدشان خواهد آمد، چنین چیزی روا نیست؛ اهل سنّت چنین نمی کنند، من در جریان هستم و با بسیاری از جمعیت های بزرگ تبلیغی مانند: «سازمان جهانی امور خیریه »،«دعوت اسلامی کویت »،«سازمان دعوت اسلامی سودان» و«جمعیت دعوت لیبی» در ارتباط هستم مطمئناً تلاش برای سنّی کردن شیعیان به هیچوجه در برنامه کاری آنان وجود ندارد.

• مجری: اجازه بفرمایید بپرسم؛ نظر شما در مورد نگرانی اهل تشیع از عدم برخورداری اقلیت های شیعی از حقوق خود در کشور های اهل سنّت چیست؟.

• دکتر قرضاوی: این موضوعی است که با دوستان در باره ضرورت مراعات آن به توافق رسیده ایم، یعنی برای آنکه حقیقتاً با یکدیگر به تفاهم برسیم، حقوق اقلیت های موجود در کشورهایی که دارای مذهبی غیر از مذهب اقلیت هستند، باید مراعات شود، یعنی اقلیت های شیعی در کشورهای اهل سنّت از تمامی حقوق خود بر خوردار باشند، همچنین اقلیت اهل سنّت حقوق خود را در کشورهای شیعی بدست بیاورند. ممکن است پاره ای از دولتها که اکثریت مردم آن اهل سنّت اند، تمامی حقوق اهل تشیع را مراعات ننمایند، امّا به تعدادی از شیعیان در آن کشورها مقام وزارت و سفارت داده شده است، مدّتی پیش که به اندونزی سفر کرده بودم، ریاست هیأت دیپلماسی کشورهای عربی(که بامن ملاقات داشتند) یك نفر شیعی کویتی بود، در برخی ازکشورهای خلیج به اشخاصی از شیعیان مقام وزارت سپرده شده است.

امّا من بارها به دوستان ایرانی گفته ام: شما دارای جمعیت بزرگ 15 میلیونی از اقلیت اهل سنّت هستید – هر چند خود اهل سنّت می گویند جمعیت ما به مراتب بیشتر از این است – در عین حال حتی یك نفر وزیر هم ندارند، ما در مصر دارای سه وزیر قبطی هستیم که اقلیتی به مراتب کمتر از اهل سنّت در ایران است.

اهل سنّت می خواهند تعدادی مسجد در تهران داشته باشند، امّا تا کنون با این درخواست ایشان موافقت نشده است؛ این چیزی است که شامل دو طرف می شود، اگر به راستی می خواهیم تمامی درها را بر روی فتنه گریها ببندیم و آتش فتنه را که مدام به تباهی وبدی می انجامد خاموش نماییم، باید اقلیت ها حق خویش را از اکثریت بگیرند.

• مجری: جناب شیخ یوسف اجازه بفرمایید، به آقای رفسنجانی برگردیم، و محور دوّم را مورد بررّسی قرار بدهیم. امّا خواهش می کنم که کوتاه پاسخ بدهید! زیرا زمان زیادی را برای این مناظره در اختیار نداریم، محور دیگر قضیه عراق است؛ در این ارتباط که موضوع عراق پیش از آنکه بحرانی مذهبی باشد، مسأل ای سیاسی است، و شاید مسائل دینی به تبع و به دنبال آن مطرح شده باشند. برخی بر این باورند که ایران موافق ادام وضع کنونی در عراق است، شما در عین اینکه آمریکا را اشغالگر به حساب می آورید می دانید این اشغالگران هستند که حکومتی مذهبی و متعصّب را بر سر کار آورده، و این حکومت بر اساس سهمیه بندیهای مذهبی به وجود آمده است و اکنون نماین احزابی است که تعدادی از سران آنها پیشتر در ایران بوده و مورد حمایت شما قرار داشته اند و اکنون هم با ایران در ارتباط اند؛ چگونه می توانید دوگانگی حمایت از امّت اسلامی از یك سو و حمایت از حکومتی فرقه گرا در عراق را از سوی دیگر توجیه کنید؟.

• هاشمی: بله پیش از اینکه در ارتباط با عراق چیزی بگویم به اظهارات جناب آقای قرضاوی اشاره ای

بکنم، اگر بخواهم به آنچه ایشان بدان اشاره کردند بپردازم، درست در همان دامی خواهیم افتاد که امریکا برای ما گذاشته و گرفتار خواهیم شد؛ ایشان در ارتباط با اهل سنّت به آمار و ارقامی اشاره می کند و چیزهایی را(مانند: محرومیت اهل سنّت از مدیریت کشور و وجود مساجدی در تهران) مطرح می کنند که برای آنها پاسخ هایی وجود دارد؛ امّا اگر بخواهم به آنها جواب بدهم گفتگو به صورت همان چیزی که آمریکا می خواهد در خواهد آمد، چیزی که ما خواستارش نیستیم و آمریکا و اسرائیل به دنبال آن هستند، و طبعاً آقای شیخ قرضاوی نیز چنین چیزی را نمی خواهد و نمی خواهیم به این سمت برویم.

امّا در رابطه با عراق ما دارای دیدگاه روشنی هستیم و مدام آن را اعلام کرده ایم، ما خواستار یکپارچگی ارضی و وحدت مردم عراق می باشیم، ما می خواهیم عراق یکپارچه باقی بماند و تجزیه نشود و ملّت عراق به حاکمیت ملّی خویش برسد. ما علاقه مندیم که همۀ ملیت ها و پیروان تمامی ادیان در کنار یکدیگر در زیر پرچم و حکومتی واحد به زندگی مسالمت آمیز خود ادامه بدهند، و از تمام ساز وکارهای حکومتی فراگیر برخوردار گردند. شیعیان به بهانۀ اینکه در گذشته مورد ستم قرار گرفته اند و حکومتی سنّی ایشان را سرکوب کرده اکنون در پی انتقام جویی می باشند. ما باید به آینده بیندیشیم، همه باید دست به دست هم بدهند، اشغالگران در عراق حضور دارند چنانچه همه با هم متحد شوند، فرصتی برای اشغالگری باقی نخواهد ماند و باید اشغالگر را بیرون بیندازند. ما و دیگر کشورهای همسایۀ عراق باید از این یکپارچگی پاسداری کنیم؛ و هر انسانی را که در عراق دست به خشونت می زند نصیحت کنیم و کار او را محکوم کنیم و ملّت عراق را یاری دهیم که به وظیفۀ خویش عمل کند.

• مجری: اجازه بدهید یادآور شوم که بسیاری بر این باورند که: ایران در عراق دارای نقش امنیتی است و سیستم های اطّلاعاتی و امنیتی ایران در آن کشور فعّال اند. علی رغم مخالفت با اشغالگر در جهت ادامۀ اوضاع کنونی اقداماتی را صورت می دهند؛ آیا چنین چیزی نشانگر نوعی تضاد در سیاست ایران در عراق نیست؟ همچنین ایران دارای موضعگیریهای متفاوتی در ارتباط با لبنان و فلسطین است.(که بعداً به آن خواهیم پرداخت، یعنی وقتی که در مورد قضیۀ مقاومت در عراق سخن خواهیم گفت.)

• هاشمی: کسی که این جور چیزها را مطرح می کند، دارد با زبان آمریکا سخن می گوید، ما به هیچوجه نمی خواهیم در امور مربوط به عراق دخالت کنیم، و ما علاقه مندیم که مردم عراق خود سرنوشت خویش را رقم بزنند، هیچ دلیلی وجود ندارد که ما در عراق دخالت داریم، در هر کجای دنیا مسلمانان مشکلی داشته باشند ما به آنان کمك می کنیم، مگر ما به مردم بوسنی یاری نرساندیم، آنان که شیعه نیستند، اهل سنّت اند، مگر ما به مردم فلسطین کمك نمی کنیم، مگر مردم فلسطین شیعه اند! من به سبب دفاع از مسأل فلسطین شکنجه شده ام. قضیه بدین صورت نیست، ما مدافع امّت اسلامی هستیم، وقتی از عراق دفاع می کنیم به عنوان کشوری اسلامی به آن می نگریم که از طرف نیروهای آمریکایی اشغال شده است، ما به دنبال یاری عراق هستیم و نمی خواهیم در امور داخلی آن دخالت کنیم، آنها خود بهتر می دانند امورشان را چگونه حل و فصل کنند، انتخابات را برگزار می کنند و هر یك که رأی بیشتری آورده دولت را تشکیل می دهد، و یا در مجلس اکثریت را بدست می آورد؛ لازم است دیگران نیز در امور داخلی عراق دخالت نکنند تا مردم آن کشور زمام امور خویش را بدست بگیرند. استعمارگران به دنبال ایجاد تفرقه اند، ما باید اینگونه اختلافات را در ارتباط با مردم عراق از خود دور کنیم.

• مجری: حقیقتاً نمی خواهم در ارتباط با این موضوع سخن را بیشتر ادامه بدهم، امّا می خواهم این رأی شخصی خودم را بگویم و نمی خواهم شما به آن پاسخ بدهید، که تنها پس از پایان حضور اشغالگران است که عراق می تواند به استقلال خود برسد و زمام امورش را در دست بگیرد.

اینك به دوحه می رویم تا از جناب دکتر قرضاوی بپرسیم که: اگر در عراق احزابی شیعی هستند که زیر سلط اشغالگران حکومت می کنند، احزابی از اهل سنّت هم هستند که در آن حکومت مشارکت دارند، و این نیز فعالیت زیر پرچم بیگانه است، از طرف دیگر گروه هایی از اهل سنّت هستند، و نمی خواهم از آنها اسم ببرم و رسانه ها از آنها سخن می گویند که: به نام اسلام اقداماتی ناصواب را علیه شیعه و غیر شیعه در عراق صورت می دهند، آن گروه ها هر از چند گاهی اطلاعیه های تکفیری از طریق اینترنت منتشر می کنند و همگان از این خبر دارند،آیا جلوگیری از این قضیه هم نمی تواند در جهت جلو گیری از فتنه و آشوب در عراق و دیگر جاها نقش سازنده ای داشته باشد؟.

• دکتر قرضاوی: دوست عزیز! ما برای اصل مشارکت احزاب درحکومت اهمیت چندانی قائل نیستیم، زیرا

مشارکت در حکومتها، دیدگاه هایی سیاسی اند که گاهی درست و گاهی نادرست از آب در می آیند؛ برخی از برادران اهل سنّت ما دارای دیدگاه های مغایری بودند و دربارۀ آن تجدید نظر کردند، برخی مشارکت نموده و عدّه ای هم در صف مقابل ایستاده اند. امّا چیزی که بر روی آن تأکید می ورزیم، برخورداری مردم عراق از حق رویارویی با اشغالگران است، به این پرسش باید پاسخ داده شود که آیا مقاومت موضوعی است مشروع و مطلوب یا نامشروع و محکوم؟.

بر ماست اعلان کنیم که مردم عراق، همچنین مردم فلسطین و افغانستان و هر ملّت دیگری که کشورش اشغال شده باشد، حق دارند که در برابر اشغالگران مقاومت و ایستادگی کنند؛ این حکم و فرمان اسلام است که هرگاه دشمنان، سرزمینی اسلامی را اشغال کردند، جهاد و مقاومت در برابر ایشان بر مردم آن سرزمین واجب عینی است، و بر دیگرانی که اطرافشان هستند واجب عینی است که ایشان را یاری بدهند؛ این چیزی است که لازم است دربارۀ آن صحبت کنیم، در واقع مسألۀ اصلی مشارکت و عدم مشارکت نیست، مسألۀ روا شمرده شدن قتل و کشتار دیگران است، مشکل عراق این است که روزانه قتل عام های دسته جمعی صورت می گیرد. اگر در میان اهل سنّت هستند کسانی که به خشونت دست می زنند ما آن را از همان آغاز محکوم کرده و می کنیم و(اتحاد جهانی علمای مسلمین) در این رابطه مرتب بیاناتی را صادر کرده است، و من بارها در برنامۀ«شریعت وحیات» تلویزیون الجزیره و خطبه های جمعه(در مسجد عمر بن خطاب) از مراجع تقلید عراق و ایران خواسته ام که فتواهای قاطعی را در محکومیت قتل و خونریزی متقابل مسلمانان صادر کنند.

هر چند جناب شیخ هاشمی رفسنجانی می خواهد دخالت کشورش در عراق را انکار کند، امّا من بر این باورم که ایران در مورد عراق مسئول است و همگان بر روی این موضوع اصرار دارند که ایران در عراق نفوذ دارد و کلیدهای بسیاری برای حل مشکلات عراق در دست ایران است و اگر بخواهد می تواند در برابر وضع موجود موضعگیری قاطعی داشته باشد. اگر این حقیقت را انکار کنیم، نتوانسته ایم در این دیدار کاری مثبت را انجام بدهیم، زیرا هدف اصلی ما این است که همۀ از جاری شدن روزانۀ جوی خون در عراق جلوگیری کنیم. صدها هزار انسان بیگناه عراقی کشته شده اند، این وضع تا کی باید ادامه پیدا کند؟، این موضوعی است که لازم است در بارۀ آن چاره جویی شود.

• مجری: جناب شیخ اجازه بفرمایید، ما باید جانب حق و انصاف را مراعات کنیم، اکنون به سبب عوامل متعددی ایران در معرض تهدید آمریکا قرار دارد، نظر شما در مورد پاره ای از کشورهای اسلامی با اکثریت اهل سنّت چیست که از کشوری اسلامی حمایت نمی کنند، فراتر از آن گفته می شود که بدنبال تحریك بیشتر آمریکا علیه ایران هستند؛ چنین چیزی را چگونه می توان پذیرفت؟.

• دکتر قرضاوی: پیش از هر چیز باید بگویم: نه اینکه من وکیل مدافع حکومت های عربی و غیر عربی نیستم،بلکه بارها و بارها علیه آنها سخن گفته ام، امّا مسأله ای که برای من حائز اهمیت است مسأله مردم و توده های مسلمان است. درست است که ما در ارتباط با مسأله عراق و موضعگیری در مورد اصحاب رسول خدا(ص) و ترویج شیعی گرایی در ممالك صرفاً اهل سنّت با ایرانی ها اختلاف داریم، و در اینگونه مسائل مثل هم فکر نمی کنیم؛ امّا هرگاه ایران از طرف آمریکا و یا هر کشور دیگری مورد تهاجم قرار بگیرد، به صراحت و روشنی علیه آن موضع خواهیم گرفت، و اجازه نخواهیم داد نه تنها علیه ایران بلکه علیه هیچ کشور مسلمان دیگری تجاوزی صورت بگیرد، ما با جنگ و تجاوز گری به هر صورتی که باشد مخالفیم، چگونه از تعرض به یك سرزمین اسلامی خشنود خواهیم شد؟. من بارها این موضوع را اعلام کرده ام و در کنفرانس دوحه نیز گفتم: هرگاه علیه ایران تعرضی صورت بگیرد ما در کنار ایران خواهیم بود و علیه متجاوزان خواهیم ایستاد، زیرا ما در کنار صاحبِ حق خواهیم بود، مگر ایران چه جرمی را مرتکب شده تا مورد تعرض قرار بگیرد، اگر می خواهد از انرژی هسته ای مسالمت آمیز استفاده کند، این حق اوست، چرا باید جلو او را بگیرند؟موضع ما در این ارتباط واضح و صریح است و هیچگونه ابهامی در آن نیست.

• مجری: جناب شیخ از شما سپاسگذارم. آقای هاشمی، موضع گیری اهل سنّت را در ارتباط با تجاوز احتمالی به ایران شنیدید، تا حدودی همچنان در رابطه با اوضاع عراق خواهیم بود، می دانید که علیه حضور آمریکا در عراق مقاومتی وجود دارد و ایران نیز حضور آمریکاییها را اشغالگری می داند. من در اینجا عین پرسش مکتوب را مطرح می کنم تا برداشت دیگری از آن نشود؛ چرا تا کنون از طرف مراجع شیعی فتوایی مبنی بر ضرورت و وجوب مقاومت در تمامی عراق و در تمامی مناطق سنّی و شیعی صادر نشده و

مقاومت موجود در استان الأنبار و بغداد را تأیید ننموده اند، هرچند اگر عادلانه بخواهیم قضاوت کنیم باید اذعان نماییم که از طرف برخی از شیعیان نیز مقاومت هایی صورت می گیرد. چرا چنین فتوایی به طور روشن صادر نمی شود؟.

• هاشمی: فکر می کنم ما بارها و بارها و شاید صدها بار مقاومت علیه اشغالگری را تأیید کرده ایم و آن را واجب و ضروری دانسته ایم، آنچه را ما تأیید نکرده ایم جنگ و برادر کشی عراقی هاست. از طرف دیگر بدیهی است و شما فراموش نکرده اید که کدام طرف شروع کرده، من نمی خواهم در این دیدار وارد جزئیات شوم و کاری کنم که آمریکا خشنود شود، از آقای قرضاوی نیز انتظار دارم که چیزهایی را که احیاناً آمریکا مطرح می کنند، به میان نکشند، و حقیقت کنار نهاده نشود. مقاومت در برابر اشغالگران حقی است که همۀ مردم عراق از آن برخوردارند. شما حتی یك اقدام تروریستی را که یك نفر ایرانی صورت دهد در عراق مشاهده نمی کنید، امّا بسیاری از شهروندان عرب و از کشورهای عربی دستگیر شده اندکه در اقدامات تروریستی مشارکت داشته اند.

و جناب آقای قرضاوی به خوبی می داند که آنان از کجا می آیند. ماقصد دخالت در امور عراق را نداریم و می خواهیم مردم عراق خود سر نوشت خویش را رقم بزنند. ما تمامی اقداماتی را که علیه بارگاه ها و حسینیه ها و مساجد صورت می گیرد محکوم می کنیم و بارها و بارها این موضوع را مطرح کرده ایم، باید انصاف به خرج بدهیم و اجازه بدهیم مردم عراق از طریق آراء خود رویکرد خود را معلوم کنند، همۀ اقشار مردم عراق باید در حکومت و در سیستم اداری و قانونی بر اساس میزان رأی مشارکت داشته باشند.در این صورت میان مسلمانان و حکومت های مسلمان اختلافی باقی نخواهد ماند، این موضوعی خردمندانه و مشروع است و جهانیان از آن اطلاع دارند، و تقویت اختلافات در این شرایط تنها به سود آمریکا و اسرائیل تمام خواهد شد.

• مجری: فقط در جهت بیان حقیقت می گویم؛ همانگونه که جناب شیخ قرضاوی اظهار داشتند – البته این را هم بگویم که بعد از این پرسش از شما پرسش مشابهی را از ایشان خواهم داشت – همانگونه که می

دانید در عراق میلیشاها و جوخه های مرگ روزانه انسان هایی را به سبب پیروی از فلان مذهب می کشند! حتّی گاهی به سبب عواملی ساده مانند اینکه: اسم اوفلان است! چنین چیزی روی می دهد؛ نظر شما در این باره چیست؟ تا جهانیان موضع گیری شما را در این رابطه بدانند.

• هاشمی: چنین چیزی از هر طرف که صورت بگیرد گناه بزرگی است، نباید خون يك مسلمان و حتی غیر مسلمان در عراق بر زمین ریخته شود، تمامی مردم عراق باید از طریق اجرای قانون از امنیت برخوردار شوند، امّا افراطی ها با هدف ویژه ای به عراق آمده اند؛ آمده اند تا مانع از آن شوند که مردم عراق خود زمامدار امور خود شوند، و اشغالگران آمریکایی نیز از چنین چیزی اظهار رضایت می نمایند، زیرا زمینه و بهانة ادامة حضورشان را فراهم می کند، به همین خاطر بر ما علمای شیعه و سنّی و تمامی مراکز و شخصیت های فکری و فرهنگی در جهان اسلام است که زمینه را برای مردم عراق فراهم کنیم تا زمام امور و سرنوشت خود ر ا بدست بگیرد. دیگر مسایل ارتباطی به ما ندارد زیرا خود آنان از رشد و خرد کافی برخوردارند.

• مجری: سؤال بعدی را از دکتر یوسف باید بپرسم، امّا این را بگویم که برخی بر این باورند که اگر از طرف مسئولین و مراجع ایران در محکومیت اقدامات جوخه های مرگ فتوایی صادر می شد، از اقدامات آنان جلوگیری می کرد.

• هاشمی: من پاسخ این پرسش را بار دیگر تکرار می کنم؛ ما بارها چنین چیزی را حرام شمرده ایم، دیدگاه تمامی علمای ایران و مقام رهبری این است که چنان اقداماتی شرعاً حرام است و جزو گناهان کبیره است و هر کس مرتکب آنها بشود مستحق آتش جهنم است، از نظر ما همة این ها روشن هستند، مسلمانان نباید با یکدیگر به جنگ بپردازند، امّا لازم است ببینیم کدام طرف شروع کرده است؟ چه کسی آیة ا حکیم را بعد از بیست سال مبارزه و بازگشت به عراق ترور کرده است؟ ما حتّی بر روی این موضوع چندان تکیه نمی کنیم، ما نمی خواهیم به گذشته نگاه کنیم و بهتر است به آینده بیندیشیم.

• مجری: جناب دکتر قرضاوی، در مورد مقاومتی که در بارة آن صحبت می کنیم، شیعیان می گویند: آنها دست به عملیات انفجاری و قتل و کشتار می زنند و موضعگیری بعضی از گروه ها مانند القاعده و دیگران به ویژه در باره تکفیر شیعیان اقدامی منفی است. آیا شایسته نیست که از طرف شما هم در مورد آنان فتواهای صریح و قاطعی صادر شود؟.

• دکتر قرضاوی: پیش از پاسخ به سؤالتان می خواهم در مورد این سخن شیخ رفسنجانی که: «فلانی می داند آنان از کجا می آیند» توضیحی بدهم، من اطلاع ندارم آنان از کجا می آیند، زیرا وزارتخانه ای اطلاعاتی را در اختیار ندارم و نمی دانم از کجا می آیند، امّا به هر صورت اقدامات خشونت آمیزی که سبب ریخته شدن خون بی گناهان می شود را محکوم کرده ایم، زمانی که آقای باقر حکیم را کشتند من در قاهره بودم، از همانجا آن را محکوم نمودم و گفتم این اقدام حرمت زمان یعنی ماه رجب، و حرمت مکان یعنی مسجد، و حرمت انسان را زیر پا نهاده است و تمامی تعرضاتی را که علیه شهر نجف و مرقد دو امام صورت گرفته را محکوم کرده ایم، من شخصاً آنها را در خطبه های نماز جمعه و در برنامه ام(در تلویزیون الجزیره) محکوم کرده ام، همچنین اتحاد جهانی علمای مسلمین که من افتخار ریاست آن را بر عهده دارم آنها را محکوم شمرده است. ما اینگونه امور را مردود شمرده و به هیچ وجه تأیید نمی کنیم، این ها از نظر ما روشن و واضح اند، کاش نظر دوستان(شیعه) هم از شفافیت کافی برخوردار بود. البته ما نمی توانیم مسئولیت اقداماتی را که اینجا و آنجا صورت می گیرد را بپذیریم؛ آنچه را مورد تأیید قرار می دهیم مقاومت در عراق است، اساساً مقاومت در برابر اشغالگر، مقاومت خود عراقی هاست، و گمان من این است آنانی که از خارج به مقاومت در عراق ملحق می شوند 5 تا 10 درصد بیشتر نیستند.

• مجری: ظاهراً من سخنان شیخ یوسف را نمی شنوم، امّا می خواهم بپرسم که وقتی جناب شیخ رفسنجانی آن امور را محکوم می کند و شما هم آن را محکوم می نمایید، پس مشکل چیست و چرا پیشرفتی روی نمی دهد؟چرا؟.(سؤال را از شیخ یوسف می پرسم.)

• دکتر قرضاوی: من بر این باورم که از طرف مراجع شیعی در عراق و ایران موضعگیری کافی در جهت محکوم کردن آنچه در عراق روی می دهد، وجود ندارد و از نظر عملی اقداماتی که از چنان اموری جلوگیری نماید صورت نگرفته است. من اعتقادم بر این است که ایران برای جلوگیری از آنچه در عراق روی می دهد از توانایی و نفوذ کافی برخوردار است، و می تواند به آن ها بگوید: کافی است و دست بردار شوید! آقای شیخ رفسنجانی نمی خواهد به این واقعیت اعتراف کند، امّا همه بر روی وجود نفوذ و سلطه ایران تأکید دارند و این واقعیتی آشکار است و همگان آن را مشاهده می کنند. این موضوعی است که ایران توانایی جلوگیری از آن را دارد و می تواند به بسیاری از آنان بگوید چنان عمل کنید و چنان اقداماتی را انجام ندهید، چنین اقدام عملی و ملموسی است که مشکل را حل خواهد کرد. ایران می تواند آتش فتنه موجود در عراق را خاموش کند و مسلمانان را از این جنگ فرقه ای خانمان سوز که تر و خشك را با هم نابود می کند، مصون بدارد. جنگی که غالب و مغلوبی در آن وجود ندارد و همة ما در آن شکست خورده خواهیم بود. این درست همان مسائلی است که می خواهیم به صراحت آن ها را بیان کنیم.

• مجری: در واقع تنها پنج دقیقه از وقت برنامه باقیمانده، که آن را میان هر دوی شما تقسیم می کنم، من به عنوان یك روزنامه نگار و مسلمان عرب می شنوم که تمام علما و اندیشمندان بنا بر اصطلاحاتی که اهل سنّت بکار می گیرند: «استعمار و صهیونیزم جهانی» و بنا بر واژه هایی که اهل تشیع بکار می گیرند: «شیطان بزرگ و نیروهای استکباری»را محکوم می کنند؛ امّا از درون به خود نگاه نمی کنیم، آیا به راستی زمان آن فرا نرسیده که قرائت و نگاه خود را به واقعیت ها بازنگری کنیم؟ و اعتراف کنیم که ریشة مشکل در بین خود ما مسلمانان است و باید ابتدا اختلاف های موجود بین خود را بر طرف کنیم و از مهمترین آنها آغاز کنیم؟ در این ارتباط و در مدت 5/2 دقیقه چه چیزی برای گفتن دارید؟ و از نظر شما مهمترین مسائلی که باید قبل از پرداختن به حل وفصل دیگر امور اختلافی به آنها پرداخته شود ودر اولویت قرار دارند، کدام اند؟.

• هاشمی: شما درست به اظهارات قبلی من که در آغاز سخن گفتم برگشتید، اینکه خود ما باید از اتحاد میان خود پاسداری کنیم، از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که اخبار مربوط به ما را بیش از گذشته

بخوانند و اظهارات بیان شده از طرف مسئولین ایران را بشنوند، چنانچه اظهارات و تصریحات ما را می خواندند با این لحن صحبت نمی کردند، موضوع روشن است، پروندة اخبار حتی در الجزیره نشان می دهد که چه تعدادی از علما و شخصیت های ما از مقاومت در عراق حمایت کرده اند، و جنگ داخلی را مردود و محکوم شمرده و آن را تحریم کرده و چقدر اشخاصی را نصیحت کرده اند که در فکر انتقام جویی از طرف مقابل نباشند و دنبال اقدامات آدم های جاهل گام برندارند، ما این موضوع را بارها و بارها اعلام کرده ایم. من فکر می کنم که عامة مردم از این موضوع خبر دارند و در روزنامه ها موجود است و از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که دیدگاه های علمای ما را بیش از گذشته مورد برّرسی قرار بدهند و مطمئن باشند که ما به سبب آنچه در میان مردم مسلمان روی می دهد و آنچه در عراق می گذرد قلبمان می سوزد.

• مجری: جناب قرضاوی 5/2 دقیقه وقت دارید به همان سؤالی که با آقای رفسنجانی مطرح کردم پاسخ بدهید.

• دکتر قرضاوی: این دیدار را با بیان مطالبی به پایان می برم، اولین مطلب این است که: همه ما موظفیم در مورد پاسداری از وحدت این امّت بسیار بسیار جدّی عمل کنیم و در برابر هر گونه تلاش های تفرقه آمیز ایستادگی نماییم؛ تلاش هایی که از مسائلی مانند: نژاد و ملیت که فلان مردم فارس و اینان عرب و دیگری تورانی اند، استفاده می کنند جلوگیری کنیم، برماست که همه بر حول محور وحدت بخش اسلام جمع شویم و اسلام را برتر از مذهب و فرقه به شمار بیاوریم و میهن اسلامی را بر فرقه گرایی برتری بدهیم و امت را بالاتر از نژاد و ملیت به شمار بیاوریم، و مصالح مهمتر را بر مصالح کم اهمیت ترجیح بدهیم، ما باید فراتر از این امور عمل کنیم. زمانی که از گفتمان اسلام و مسیحیت استقبال می کنیم و با آنها به گفتگو می پردازیم و سعی می کنیم که با ایشان به تفاهم برسیم، چرا نباید ما مسلمانان برای نزدیك شدن هر چه بیشتر به یکدیگر تلاش نماییم؟ چرا از گفتگو میان خود مسلمانان استقبال نکنیم؟ این امّت باید وحدت خود بدست بیاورد، امّتی بزرگ، امّت یك میلیارد ونیم مسلمان می تواند جایگاه شایسته خویش را بازیابد به شرطی که در راه وحدت و تفاهم و همیاری گام بردارد و از توانایی های انسانی و امکانات اقتصادی و میراث تاریخی و متمدنانه و رسالت معنویش به درستی استفاده کند؛ در این صورت می تواند از زندان عقب ماندگی رهایی یابد و به فضای باز پیشرفت و ترقی

همه جانبه وارد شود و از دایره جهان سوم به عرصه جهان اول وارد گردد. این یك موضوع، موضوع دیگر که می خواهم به وسیله آن این دیدار را به پایان ببرم این است که مسلمانان در شرق و غرب جهان انتظار دارند که این دیدار و گفتگو به نتیجه عملی و ملموسی بیانجامد، نمی خواهند تنها در دایره گفتگوی نظری و حرف زدن محدود بماند، زیرا در مورد آنگونه سخنان کمبودی نداریم، انتظار ما این است که در عمل و واقعیت تبلور پیدا کنند و مردم آن عملکرد واقعی را با چشمان و تمامی وجود ببینند و احساس کنند، مردم مسلمان می خواهند وضع عراق چیزی غیر از آنچه هست بشود و از قتل و خونریزی روزانه جلوگیری شود و میلیشیاها و جوخه های مرگ متوقف شوند، حقوق به صاحبان حق برگردانیده شود، رانده شدگان به محل سکونت خود باز گردند، مساجد غصب شده به صاحبان آنها بازگردانیده شوند، جلو امواج تلاش برای شیعه کردن گرفته شود و بسیاری از امور دیگر که همه از آن رنج می برند. اگر قصد داریم مشکل را حل و فصل کنیم باید گفتار را به کردار تبدیل کنیم، در غیر این صورت نشسته و متفرق شده ایم و کاری را نتوانسته ایم از پیش ببریم، این چیزی است که انتظارش می رود.

در کنفرانس دوحه نیز گفتم که: اندیشه تقریب بین مذاهب در برابر آزمون حساس و سختی قرار دارد، امیدوارم که از آن سربلند بیرون بیاید و به شکست و بن بست نیانجامد و در این آزمون مردود نشود، این چیزی است که در اسرع وقت انتظارش را داریم و از پس امروز فردایی است و آمدن فردا برای کسی که در انتظار آن است چندان دور نیست.انشاء ا!

من به آینده امیدوارم و از خداوند انتظار خیر و نیکی را داریم...

• مجری: در پایان این دیدارم لازم به یادآوری است که همچنان پرسش ها و مسایل بسیار و متفاوتی باقیمانده که می خواستیم آنها را از این دو شخصیت بپرسیم، اما زمان برنامه به سر آمد.

در پایان این دیدار به غیر از اینکه از جناب آقای هاشمی رفسنجانی و آقای دکتر یوسف قرضاوی کمال سپاس و تشکر را بنمایم، فرصت دیگری باقی نمانده است. امیدوارم در حد توان و تشخیص خود توانسته

باشم با طرح این پرسش ها سودی را به همگان رسانده باشم.

سلام و درود خداوند بر همه شما باد.